

نامه سرگشاده به رئیس جمهوری در مورد جنگ

حجت‌الاسلام جناب آقای سید علی خامنه‌ای

رئیس‌جمهوری محترم ایران

پس از حمد خدا و آرزوی توفیق جنابعالی در بهره گرفتن از مکتب نجات‌بخش اسلام و خدمت به ایران، از آنجا که در خطبه‌های جمعه ۳۰ فروردین ۶۴ تهران و اصفهان، جنابعالی و نخست‌وزیرتان مطالبی پیرامون وضع سیاسی و اجتماعی جامعه و مساله مهم جنگ و مخالفین نظرات خود مطرح فرمودید که برای بسیاری از هموطنان سؤال‌انگیز و برای نهضت‌آزادی ایران که تلویحاً و تصریحاً مورد خطاب و عتاب و اتهام بود، شگفت‌آور بود. لذا بر آن شدیم که در نامه‌ای سرگشاده توضیحاتی را پیرامون برخی از این مطالب با شما و با ملت شرافتمند ایران در میان بگذاریم.

مقدمتاً باید به دو نکته اشاره کنیم. یکی آنکه علت سرگشاده بودن این نامه ضرورتی است که بیانات جنابعالی در نماز جمعه ایجاد نموده و دیگر آنکه طبق روش همیشگی نهضت، کوشش ما بر این است که بر پایه کتاب الهی و سنت پیامبر(ص) و خاندان پاکش با شما سخن گفته و در چهارچوب حکمت و موعظه حسنه عمل نمائیم و از دائره ادب اسلامی خارج نشویم.



در خطبه نماز جمعه ۳۰ فروردین با خشمی فراوان به مردم ایران و جهان اعلام کردید کسانی از داخل کشور به خود جرأت و جسارت داده و در باره مسائل جنگ اظهارنظر نموده‌اند و با بکار بردن اصطلاحاتی همچون: «ورشکستگان سیاسی» و افترااتی مانند «چنین آدمهائی که علاقمندی آنها به امریکا و امریکائی بیش از علاقمندی آنها به امت حزب‌الله بوده و هست» و «از آزادی که انقلاب اسلامی به آنها داده سوءاستفاده می‌کنند: جزوه و کتاب می‌نویسند، شایعه و دروغ‌پراکنی می‌کنند، جنگ و مسئولین را زیرسؤال می‌برند، در باره مسائل اسلامی ناشیانه اظهارنظر می‌کنند» سؤال نموده‌اید که این افراد «چقدر برای دستگاه و مسئولین کشور و مردم قابل تحمل هستند؟» و سپس اعلام داشته‌اید که «بنده هشدار می‌دهم آن کسانی که سعی می‌کنند(از آزادی و لطفی که جمهوری اسلامی (به) آنها کرده و به آنها آزادی و امکان حرف زدن داده سوءاستفاده کنند بدانند این برای مسئولین جمهوری اسلامی همیشه قابل قبول و تحمل نیست».



قبل از ورود به مطلب لازم می‌دانیم به عنوان انجام وظیفه خطیر نهی از منکر مشفقانه تذکر دهیم که فرمان الهی «و لاتنابزوا بالالقباب» مسلمانان را از بکار بردن عناوین موهن بازمی‌دارد و کسوت روحانیت، مقام امامت جمعه و پخش خطبه‌های نماز در سراسر جهان اقتضای آن دارد که در انتخاب کلمات و مطالب توجه، دقت و تقوای بیشتری بکار گرفته شود.

اما در زمینه مطالبی که در خطبه‌ها بیان داشتید باید بگوئیم از بیاناتتان چنین استفاده می‌شد که برخی از ایرانیان در داخل کشور اخیراً نظرات خود را پیرامون مسأله جنگ و صلح به مسئولین نوشته‌اند. عدم انتشار این نظرات و ناآگاهی مردم از آنها حکایت از آن دارد که اظهار نظر این افراد به طور خصوصی و در حلقه‌ای محدود صورت گرفته است ولی شما مصلحت در آن دیدید که این عمل هموطنان خود را علنی ساخته و به دنیا اعلام دارید. آیا مقتضای حق و عدالت آن نبود که به آنان مستقیماً پاسخ می‌دادید و یا لاقلاً نخست نظرات آنان را به اطلاع عموم می‌رسانید و سپس بنقد و بررسی و احیاناً انتقاد از آن می‌پرداختید تا مردم بتوانند در این مسأله عادلانه قضاوت کنند؟

از برخورد متداول و نشانه‌های معهود شما در خطبه نماز جمعه بسیاری از مردم نیز متوجه شدند که لاقلاً یکی از هدفهای این حملات نهضت‌آزادی ایران بوده است. بر این پایه از ما می‌پرسند چه نوشته‌اید که رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر در نمازهای جمعه ۳۰ فروردین در تهران و اصفهان و کسان دیگری فرصت یافته به طور هماهنگ تهمت‌ها و افتراءات را متوجه نهضت ساخته‌اند. ما در برابر این سؤال پاسخی نداریم جز آنکه بگوئیم این حملات به منزله اعلام وصول نامه خصوصی نهضت به اعضاء شورای عالی دفاع پیرامون مسائل جنگ و تحلیل و اظهار نظر ما بوده است.

جناب آقای خامنه‌ای

ما طبق مبانی اسلامی و در چهارچوب قانون اساسی حق و وظیفه خود و هر فرد ایرانی می‌دانیم که در مسائل اساسی کشور اظهار نظر و یا توصیه‌هایی، هرچند مغایر با خط مشی و سیاستهای جاری، به تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران بنمائیم و این امر را برای سلامت ملک و ملت لازم و ضروری می‌دانیم. اما همانطور که در نامه خصوصی خود به اعضاء شورای عالی دفاع متذکر شده‌ایم با درک حساسیت اوضاع کشور و به منظور جلوگیری از هرگونه سوءتعبیر و برداشت بویژه از طرف دشمنان اسلام و ایران، نظرات و نگرانی‌های خود در باره جنگ را که یکی از مهمترین مسائل مملکتی است تنها برای اعضاء شورای عالی دفاع و معدودی از مسئولان مؤثر کشور فرستاده و برخصوصی و مستقیم بودن آن تأکید کردیم و حتی از اشاعه خبر نوشتن چنین نامه‌ای خودداری نمودیم. امید ما این بود که اتخاذ چنین روشی در حل مسائل جنگ مفید و مؤثر واقع گردد. طبیعی است در برابر چنین عملی متین و خیرخواهانه انتظار عصبانیت، پرخاش، تهمت‌های تکراری بی‌اساس و تهدید و هشدار نداشتیم بلکه انتظار ما و اقتضای مقام سیاسی و روحانی شما این بود که قرآن را با قرآن، سنت را با سنت و منطق را با منطق پاسخ دهید.

واکنش‌هایی از این قبیل این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا گردانندگان جنگ خود را معصوم می‌دانند یا چنین می‌پندارند که سیاست‌ها و خط مشی خود را مستقیماً از طریق وحی دریافت داشته‌اند که بر این پایه برای احدی حق تذکر و پیشنهاد و توصیه، حتی در یک نامه خصوصی، نیز قائل نیستند؟ بر پایه کدام یک از موازین قرآنی و براساس کدام نقل از سنت پیامبر(ص) و روش اهل بیت(ع) و طبق کدام اصل از قانون اساسی عکس‌العمل توصیه به حق و تذکر، تهمت، افتراء و تهدید است؟ آیا بیانات شما حاکی از آن نیست که معتقدید به استثناء چند نفر از خواص احدی حق اظهار نظر در باره مسائل اساسی کشور حتی به صورت نوشتن نامه‌ای خصوصی مستقیم ندارد؟ و اگر کسی جرات و جسارت نموده اظهار نظری کند باید در انتظار انواع حملات و تهمت‌ها و تهدیدها باشد! آیا شما که روزنامه‌های غیرموافق را تعطیل نموده،

فعالیت‌های اسلامی و قانونی غیرموافقین را متوقف ساخته، بر خلاف موازین شرعی و قانونی دفتر نهضت آزادی ایران را لاک و مهر نموده و اعضای این حزب قانونی را از استفاده از اموال و اسنادشان محروم ساخته‌اید، تحمل یک نامه خصوصی را هم از دست داده‌اید؟

مطالب ایراد شده توسط جنابعالی و نخست‌وزیرتان حاوی تهمت‌هایی تکراری به دولت موقت است که ما بارها خلاف واقع بودن آنها را اعلام نموده‌ایم. در اینجا از شما می‌خواهیم با انتشار صورت مذاکرات شورای انقلاب و هیئت‌وزیران دولت موقت که در نخست‌وزیری موجود بوده و در اختیار و دسترس شماست به ملت شریف ایران امکان دهید تا از صحت و سقم این مطالب آگاه شوند.

در بیانات خود، اظهار نظرکنندگان علاقمند به سرنوشت کشور در مسأله جنگ را به همصدائی با امریکا متهم کرده‌اید. علاوه بر غیراسلامی بودن این روش چنین مطالبی نادرست است. دولت امریکا همچون سایر ابرقدرتها مایل به پایان یافتن جنگی که جان و مال مسلمین را به دست خودشان نابود می‌سازد نیست. ابرقدرتها با فروش اسلحه و وابسته ساختن بیشتر اقتصاد ما سودبرندگان اصلی و عمده چنین جنگی هستند و لذا هر زمان شرائط مناسبی برای پایان یافتن جنگ فراهم آمده است مشاهده شده که با استفاده از شیوه‌های خاصی این شرایط را از بین برده‌اند. نمونه زنده و بارز آن سخنان تحریک‌آمیز موهن اخیر وزیر امور خارجه امریکا در باره ایران و رهبر انقلاب است. وی در شرائطی که اقدامات دبیرکل سازمان ملل و اعلام موضع مثبت و منطقی ایران روزنه امیدی برای پایان یافتن جنگ پدید آورده بود چنین سخنانی ایراد نمود تا با ایجاد عکس‌العمل‌های مورد انتظار در ایران این امید را تبدیل به یأس سازد.

در بیانات خود بر ما منت گذاشته‌اید که به ما «آزادی و امکان حرف زدن داده» و ما را «تحمل» فرموده‌اید. برای ما جای تعجب است که رئیس‌جمهوری که مطابق اصل یکصد و بیست و یکم قانون اساسی سوگند یاد نموده است که از «آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کند» و حتی در نماز جمعه ۳۰ فروردین اعلام می‌دارد که «کسانی که خلاف ما عقائدی دارند ما هرگز محدود و محصور نکردیم»، بر گروه سیاسی - اسلامی شناخته شده‌ای که به دستور حاکمیت حقوق اساسی خود از قبیل انتشار روزنامه، اجازه چاپ و انتشار، تجمع و سخنرانی در اماکن عمومی و حتی داشتن دفتری در محوطه‌ای محدود را از دست داده است، چنین منتی می‌گذارد!

پاسخ ما بدین بیانات این است که اگر آزادی و امکان حرف زدن فوق‌العاده محدودی که ما داریم جزء حقوق اسلامی و قانونی ماست شما نه تنها موظفید که آن را تحمل کنید بلکه برای حراست و حمایت از آن نیز سوگند خورده‌اید و اگر برای ما چنین حقی را قائل نبوده و قانون اساسی را بی‌اعتبار می‌دانید، آزادید ما را محاکمه و مجازات کنید و یا به «حزب‌الله» گوش بفرمائید تا دستور دهید ما را به طور انقلابی تصفیه جسدی کنند.

آقای رئیس‌جمهوری

شما و دوستانتان بهتر از هر کس می‌دانید که ما هر زمان اظهار نظر و یا اقدامی برای حفظ کشور و مصالح مردم لازم و ضروری تشخیص بدیم به وظیفه اسلامی و ملی خود عمل می‌کنیم و آماده قبول عواقب جرأت و

جسارت خود در بیان کلمه حق بوده و هستیم و در پاسخ این هشدارها و تهدیدها از این سخن الهی پیروی می‌کنیم که اگر تذکرات و مواضع ما بر شما گران است ما تنها به خدا توکل می‌نمائیم^۱.

نهضت آزادی ایران

۶۴/۲/۵

۱. ان کان کبر علیکم مقامی و تذکیری به آیات الله فعلی الله توکلت... (یونس ۷۱)